

طبیعت و زیست بوم در اشعار عباس باقری از منظر نقد بوم‌گرا

نرگس ادیب راد^۱، عالیه یوسف فام^۲

چکیده

نقد بوم‌گرا، مطالعه رابطه میان ادبیات و محیط‌زیست و چگونگی بازتاب ارتباط انسان با محیط فیزیکی پیرامونش در ادبیات است. این حوزه مطالعاتی با محور قرار دادن محیط‌زیست، ارزش و جایگاه طبیعت و زیست‌بوم و دقت در تأثیر آن بر متون ادبی، مورد توجه علوم انسانی است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی (تحلیل محتوا)، به بررسی اشعار عباس باقری پرداخته؛ برای پاسخ به این سؤال که طبیعت و زیست‌بوم تا چه اندازه در شعر شاعر بازتاب یافته و دغدغه‌های مهم محیط‌زیستی او کدام است، درون‌مایه اشعار وی از منظر بوم‌نقد واکاوی شده است. در این مقاله، نقش‌آفرینی طبیعت و زیست‌بوم در آفرینش اشعار بوم‌محور شاعر و بهره‌گیری او از این عناصر برای مقاصدش، مطمح نظر است. همین ویژگی‌ها، مقاله حاضر را از آنچه در گذشته در این موضوع ارائه شده است؛ متمایز می‌سازد. لزوم توجه به طبیعت و بازتاب بحران‌های زیست‌محیطی، بخشی از نتایج اشعار بوم‌محور باقری را تشکیل می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: نقد ادبی؛ بوم‌نقد؛ محیط‌زیست؛ طبیعت؛ شعر معاصر؛ عباس باقری.

مقدمه

نقد ادبی پس از بررسی سره و ناسره متون ادبی که در آن‌ها متن (منظوم یا منشور) به دور از عوامل فرامنتی مورد بررسی و نقد قرار می‌گرفت؛ اکنون وارد مرحله جدیدی شده است که در آن، متن، نوعی پاسخ به رخدادهای دنیای پیرامونی به شمار می‌رود. بررسی آثار شاعران و نویسندگان از منظر نقد و نظریه ادبی، نه تنها باعث فهم عمیق‌تر و گسترده‌تر آثار آنان می‌شود؛ بلکه می‌تواند زمینه تولید و پیدایی آثار ارزشمند ادبی جدیدی را فراهم آورد؛ زیرا نظریه ادبی بوم نقد بر مطالعه بینا رشته‌ای ادبیات و زیست‌بوم در ارتباط با هم تأکید دارد.

اصطلاح نقد زیست بوم‌گرا (*Ecocriticism*) را اولین بار ویلیام روئکرت (*Rueckert*) در *William* در اواخر قرن بیستم یعنی در سال ۱۹۷۸ در مقاله‌ای با عنوان ادبیات و بوم‌شناسی تجربه‌ای در نقد زیست بوم‌گرا (*Literature and Ecology. An Experiment in Ecocriticism*) به‌کاربرد. او در مقاله خود ضمن اشاره به کاربرد مفاهیم بوم‌شناختی برای خوانش ادبیات می‌گوید: مشخصاً من قصد دارم تا کاربرد بوم‌شناسی و مفاهیم بوم‌شناسانه را برای مطالعات ادبیات بیازمایم؛ زیرا بوم‌شناسی (در مقام یک دانش، به مثابه یک رشته و در مقام بنیاد و اساسی برای نگرش انسان) دارای بیشترین ارتباط با حال حاضر و آینده جهان است (*Rueckert 1996: 107*) کاربرد واژه تجربه در عنوان مقاله او، نشان از آگاهی وی به نوپا بودن این حوزه مطالعاتی و میان‌رشته‌ای دارد و این‌که این رویکرد نوین برای نظام‌مند شدن، نیازمند تلاش‌های جدیدتر و نظریه‌پردازی‌های دقیق‌تر است. نقد بوم‌گرا رویکرد جدیدی در نقد ادبی و پاسخی به واکنش به زندگی فناورانه و صنعتی کردن جوامع و تسلط بر طبیعت و مظاهر آن است و در آن، ناقد بوم‌گرا توجه خود را به بوم‌زیست و عناصر طبیعت معطوف می‌دارد.

با توجه به این‌که تاکنون کمتر پژوهشگری به واکاوی جامع و مستقلی در زمینه ارتباط ادبیات و محیط‌زیست در اشعار شاعران معاصر و نقش‌آفرینی این دو عنصر طبیعی در آفرینش اشعار بوم محور آنان پرداخته است؛ به دلیل اهمیت این حوزه مطالعاتی جدید، مقاله حاضر به موضوع نقش‌آفرینی زیست بوم و طبیعت در اشعار عباس باقری از منظر نقد بوم‌گرا پرداخته و شاعری برای تحقیق انتخاب شده است که لزوم توجه به طبیعت و

زیست بوم و استفاده سمبلیک از آن و بیان بحران‌های زیست‌محیطی، شعر او را رسانه‌ای زیست‌محیطی - فرهنگی کرده است.

اهداف تحقیق

آن چه در پژوهش حاضر به عنوان اهداف تحقیق، مورد توجه قرار گرفته، عبارت‌اند از:

- ۱ توصیف و تبیین دیدگاه‌ها و رویکردهای شاعر نسبت به طبیعت و محیط‌زیست تعیین و تبیین سهم اشعار عباس باقری در پاسداشت طبیعت و زیست بوم
- ۲ تعیین و تبیین سهم اشعار عباس باقری در پاسداشت طبیعت و زیست بوم

سؤال تحقیق

نگارنده در پاسخ به این سؤال که «طبیعت و زیست‌بوم با چه رویکردی در شعر باقری بازتاب یافته و دغدغه‌های اصلی شاعر نسبت به حفاظت از محیط‌زیست چگونه است؟»؛ درون‌مایه و مضمون اصلی اشعار او را از منظر نقد بوم‌گرا و اکاوی نموده؛ نشان داده است که درون‌مایه اصلی اشعار زیست‌محیطی شاعر ناشی از برخی عوامل تأثیرگذار مانند شرایط نابسامان طبیعی و اجتماعی روزگار باقری، تأثیر محیط زندگی و دوران کودکی و نوجوانی وی، مقتضیات ادبی و هنری شاعر و بیان بحران‌های زیست‌محیطی و... است.

پیشینه تحقیق

با بررسی آثار مکتوب و مقالات، موارد زیر در حوزه نقد بوم‌گرا یافت شد: محمدناصر مودودی در مقاله بوم نقد، جنبشی میان‌رشته‌ای بین دو حوزه محیط‌زیست و ادبیات که جزو نخستین مقالاتی برای معرفی این رویکرد مطالعاتی در ایران تلقی می‌شود؛ با انتخاب عنوان بوم‌نقد به مثابه معادلی برای اصطلاح انگلیسی این نقد، شماری از آثار غیر ایرانی نگاشته شده در این حوزه را به پژوهشگران معرفی کرده است (مودودی: ۱۳۹۰)

نقد بوم‌گرا، رویکردی نو در نقد ادبی عنوان مقاله دیگری است که جزء پژوهش‌های روشمند در این حوزه به شمار می‌رود. پارساپور که دو اثر در این زمینه گردآوری و تألیف کرده، ضمن ترجمه این اصطلاح به نقد بوم‌گرا، در مقاله خود به رابطه ادبیات و محیط‌زیست پرداخته، دیدگاه‌های نظریه‌پردازان نقد زیست‌بوم‌گرا را معرفی کرده است

(پارساپور: ۱۳۹۱ الف) نامبرده مقاله دیگری با عنوان بررسی ارتباط ادبیات با طبیعت در شعر، تألیف کرده؛ در آن، تعامل انسان با طبیعت در حوزه شعر را واکاوی نموده است (پارساپور: ۱۳۹۱ ب)

آثار دیگری نیز در این حوزه وجود دارد که بیشتر بر جنبه‌های بوم‌گرایانه ادبیات و رابطه شخصیت‌های داستانی و مکان داستان با محیط‌زیست تأکید دارد. از این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله نوذر نیازی با عنوان «خوانشی بوم‌گرایانه از داستان کوتاه درخت گلابی». (۱۳۹۴) نوشته گلی ترقی اشاره کرد. او در این پژوهش، با برجسته‌سازی نقش درخت گلابی به عنوان نماد طبیعت و تأثیر آن بر روان و اندیشه شخصیت اصلی داستان، سعی در نگرشی بوم‌گرایانه، برای بازتعریف رابطه انسان با طبیعت دارد.

مرتضی حبیبی نسامی در مقاله «بررسی بوم‌گرایانه با شیرو، اثر محمود دولت‌آبادی»، (۱۳۹۳) رابطه شخصیت‌های داستان را با طبیعت مورد بررسی قرار داده است. از نظر او، تجربه زندگی نویسنده و محیط‌زیست پیرامون وی، در فضای داستان بی‌تأثیر نیست؛ به همین دلیل، سرنوشت شخصیت‌های داستان با طبیعت و زیست‌بوم، گره می‌خورد. در واقع، رابطه دوسویه انسان و طبیعت و تأثیر طبیعت بر انسان، در این داستان مشهودتر است.

این مقاله با پرداختن به موضوع طبیعت و زیست‌بوم در اشعار باقری، بر اهمیت موضوع محیط‌زیست و هشدار برای حفاظت از آن در برابر آثار مخرب و نابودکننده بحران‌های زیست‌بومی تأکید نموده، بر آن است تا با گسترش پژوهش‌های جامع‌تر، زمینه‌ساز غنای این حوزه مطالعاتی جدید گردد.

چارچوب نظری تحقیق

نظریه‌پردازانی مانند چریل گلو تفلتی، آبرامز و هارفام، نیل سملز، ریچارد کریج، ویلیام رتوکرت و دیگران، دیدگاه‌هایی درباره نقد زیست‌بوم‌گرا ارائه نموده‌اند؛ از بین آنان، دیدگاه زیست‌بوم محور رتوکرت و گلو تفلتی در راستای کار پژوهش حاضر مؤثرتر واقع شد؛ زیرا رتوکرت و گلو تفلتی در پژوهش‌های بوم‌گرایانه خویش به ضرورت رویکرد نقد زیست‌بوم‌گرا در ادبیات و رابطه ادبیات و محیط‌زیست، تعامل انسان با طبیعت و رابطه ادبیات با بوم‌شناسی توجه نموده‌اند؛ لذا چارچوب نظری پژوهش حاضر مبتنی بر دیدگاه‌های بوم‌نقد آنان است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با تکیه بر روش مطالعاتی همبستگی، بر مبنای هدف: توصیفی-تحلیلی، بر مبنای پیشینه پژوهش: توسعه‌ای-ترویجی، بر مبنای روش گردآوری داده‌ها، اسنادی و بر مبنای ماهیت، کیفی است و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت تحلیل محتوا انجام گرفته است.

تعریف عملیاتی مفاهیم

نقد بوم‌گرا: نقد بوم‌گرا را می‌توان مطالعه رابطه میان ادبیات و محیط‌زیست و چگونگی بازتاب ارتباط انسان با محیط فیزیکی پیرامونش در ادبیات دانست. در تعریفی ساده، نقد بوم‌گرا مطالعه رابطه بین ادبیات و جهان طبیعت است.

طبیعت

طبیعت در لغت، سرشت که مردم بر آن آفریده شده‌اند، نهاد، گل، خلق و خوی، گوهر و... تعریف شده است؛ اما در اصطلاح به گونه‌های مختلف گیاهان و جانوران بازمی‌گردد و به‌طور معمول به محیط‌زیست طبیعی اطلاق می‌شود. (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۲)

محیط‌زیست

محیط‌زیست، محل زندگی و تأمین‌کننده عالی‌ترین نیازهای انسان است. اصطلاح محیط‌زیست را می‌توان به یک منطقه محدود و یا تمامی سیاره، حتی به فضای بیرونی احاطه‌کننده آن اطلاق نمود که اصطلاحاً کره حیات یا بیوسفر نامیده می‌شود (همان: ۳)

شعر معاصر

شعر معاصر (فارغ از معنای لغوی و مصطلح و رایج آن)، شعری است که درک و فهم زمانه در آن تجلی یابد؛ یعنی در همه عناصر شعری از جمله کلام شاعرانه، محتوا، ساخت، زبان و موسیقی شعر و مانند آن، درک و فهم زمان تولد و بالندگی آن شعر، متجلی باشد.

مبانی نظری تحقیق

در اواخر قرن بیستم، صاحب‌نظران محیط‌زیست به این نتیجه رسیدند که زمین دچار بحران زیست محیطی شده که حاصل آلودگی صنعتی و شیمیایی بیوسفر است. بحران زیست محیطی همچنین حاصل عریان‌کردگی جنگل‌ها و منابع طبیعی، انقراض گونه‌های

گیاهی و جانوری و انفجار جمعیت انسانی است که فراتر از قابلیت زمین برای حفظ و تأمین آن‌ها است (آبرامز، ۱۳۸۷: ۱۱۲)

همان طور که در مقدمه گفته شد اصطلاح نقد زیست بوم‌گرا را اولین بار ویلیام روئکرت در اواخر قرن بیستم یعنی در سال ۱۹۷۸ در مقاله‌ای با عنوان ادبیات و بوم‌شناسی تجربه‌ای در نقد زیست بوم‌گرا به کار برد. پس از روئکرت، پژوهشگران دیگری ضمن تلاش برای تثویز کردن این رویکرد، چارچوب‌هایی برای آن تعریف کردند. خانم چریل گلافتلی با مطرح کردن پرسش نقد زیست بوم‌گرا چیست؟ این نوع نقد را این‌گونه تعریف می‌کند: به بیان ساده‌تر، نقد زیست بوم‌گرا مطالعه پیوند میان ادبیات و محیط فیزیکی است (Glotfelty and fromm 1995: XvIII)

ریچارد کریچ هدف از این نوع نقد را در اثر مشترک خود با نیل سملز به نام نگارش محیط‌زیست، این‌گونه بیان می‌کند: یک منتقد زیست بوم‌گرا، اندیشه‌های زیست‌محیطی و بازآفرینی‌های آن را در تمام مظاهرش دنبال می‌کند تا بتواند به‌طور واضح درباره آن بحث و گفت‌وگو کند؛ چرا که اغلب به نظر می‌رسد، این مسأله در فضای فرهنگی پنهان‌شده است. از همه مهم‌تر، نقد زیست بوم‌گرا به دنبال بررسی متون و اندیشه‌ها از لحاظ انسجام و سودمندی آن‌ها در مقام پاسخی به بحران‌های محیط‌زیستی است (Kerridge and sammells 1998: 5)

نکته مهمی که باید در نقد زیست بوم‌گرا مورد توجه قرار گیرد، این است که: هدف بسیاری از شیوه‌های نقد و روش‌هایی مانند نقد فمینیستی، بالا بردن سطح آگاهی خواننده و حتی تحریک آنان به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی است. در واقع، آن‌ها در عرصه نقد، برای رسیدن به عدالت اجتماعی و سیاسی تلاش می‌کنند، در حالی که تعدادی از منتقدان بوم‌گرا بر این باورند که آنچه در این اقدام مهم مدنظر دارند، رفاه و زندگی بهتر نیست، بلکه در نهایت، بقای بشر است (آبرامز، ۱۳۸۷: ۱۱۳)

ویژگی برجسته نقد بوم‌گرا، تحلیل متفاوت دیدگاه‌ها نسبت به محیط‌زیست است که می‌توان آن‌ها را به نژاد، قومیت، طبقه اجتماعی و جنسیت نسبت داد (همان، ۱۳۸۷: ۱۱۴)

در دهه ۱۹۹۰، با پیدایش انجمن مطالعات ادبیات و محیط‌زیست، جهت‌گیری‌های جدید و تغییرات اساسی در روند مطالعات ادبی به وجود آمد (حبیبی نسامی، ۱۳۹۳: ۹۸) و نقد

زیست‌بوم‌گرا به طور رسمی وارد نقد ادبی شد و به مطالعه رابطه میان انسان و طبیعت پرداخت. مقصود اصلی این جنبش، مطالعه تأثیر انسان بر طبیعت، ترغیب بر حفاظت از محیط‌زیست و هشدار برای شرایط بحرانی محیط‌زیستی کره زمین است؛ بنابراین، می‌توان کارکرد نقد زیست‌بوم‌گرا را، چگونگی نقش‌آفرینی طبیعت و محیط‌زیست در متون منظوم و مثنوی فارسی و مشارکت در روند مقابله با بحران‌ها و آسیب‌های محیط‌زیست دانست.

بحث و بررسی

عباس باقری یکی از شاعران آیینی و بوم‌گرای معاصر سیستان است که مضامین ادبیات پایداری جلوه خاصی به اشعار وی بخشیده است. باقری، شاعر اقلیمی خشک با طبیعتی سوزان و ریزگردهایی هستی‌سوز است؛ بنابراین، بازتاب طبیعت و مظاهر آن در شعر این شاعر، توصیف خواننده‌ها و شنیده‌ها نیست بلکه تجلی تصاویری است که او با تمام وجود آن را زندگی کرده است.

۱ تأثیر و تبلور زیست‌بوم‌های مختلف زمانی در اشعار باقری

۱-۱ زادگاه، دوران کودکی، نوجوانی و جوانی

عباس باقری شاعر طبیعت‌گرای سیستان در سال ۱۳۳۴ در شهرستان زابل، در شمال استان سیستان و بلوچستان متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رساند و برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، فارغ‌التحصیل شد. پس از آن، به زادگاهش برگشت و مقطع کارشناسی ارشد را در محدوده اقلیم خویش به پایان رساند. او، شاعری را از مقطع متوسطه شروع کرد. در سال ۱۳۵۹ نخستین مجموعه شعر خود را با نام تبعید در آفتاب، به چاپ رساند. استقبال از اولین مجموعه شعر او، به شاعر جوان انگیزه قوی برای انتشار مجموعهٔ تکیه بر زخم را داد. پس از انتشار این دو مجموعه، باقری به سراغ کاری رفت که آن را هویت بومی خود در شعر، می‌داند. ایوب در باد، مثنوی بلندی است درباره طبیعت و زیست بوم شاعر. علاوه بر این سه مجموعه شعر، باقری بیش از سی دفتر شعر در قالب‌های سنتی، نیمایی و شعر سپید در موضوعات اجتماعی، فرهنگی، آیینی، انقلاب و زیست بوم دارد. او زیست بوم خود را این‌گونه توصیف می‌کند: من در اقلیمی زندگی کردم که با موسیقی بادهای توان‌سوز و تحمل‌ساز از خواب بیدار می‌شدیم و به خواب می‌رفتیم. در دوران نوجوانی و جوانی با

نگاه دگرگون طبیعت، زندگی‌مان شکل گرفته است؛ با خشک‌سالی‌ها، با سیلاب‌ها، با مهاجرت روستاییان، با کوچ گروه‌هایی که خانه و کاشانه‌شان را در منطقه رها کردند تا در مناطقی دیگر، زندگی و نان سفره‌شان را تأمین کنند. به هر تقدیر من خودم را جدا از این طبیعت ندیدم. علت ماندگاری من و رقم زدن شعر من در این مسیر به خاطر همسوئی و هم‌نوایی با این مردم بوده است که بمانم و نگاه دگرگون این مردم را در شعرم بازتاب دهم (نامواره/استاد باقری، ۱۳۸۹: ۱۳۰)

۱-۲ دوران میان‌سالی

شاعر دوران میان‌سالی خود را نیز در سرزمین مادری با همان شرایط طبیعی و زیست‌بوم سپری کرده است؛ به همین علت در تصاویر شعر وی از لحاظ بوم‌گرایی تفاوت زیادی مشاهده نمی‌شود. مهم‌ترین مؤلفه‌های زیست‌بومی شاعر نظیر کویر، شن، ریگ، طوفان، خشک‌سالی، تشنگی، باران، گز، کشتزار، فقر، مهاجرت و... پیوسته در اشعارش به وضوح قابل ملاحظه است.

باران / مؤذن پیری است که / بانگ اذان سحرگاه را / بر روی بقعه‌ها و بادگیرها / از یاد برده است. (باقری، ۱۳۹۴: ۶۹)

گوئی از یاد برده‌اند / این خاک چاک‌چاک / دیری است در بستر همیشه ویرانی / پروازگاه ماسه و ریگ است و آه ... (همان، ۱۳۸۹ الف: ۵۰)

باقری، عاشق کویر است و در اغلب دفاتر شعرش می‌توان رد پای کویر را دید. در جای دیگری از دفتر شرح شوکران می‌گوید: با پیشانی گردآلود / هرگز / آلوده خاک نشدم / کویر / در برکه آفتاب / هرروز مرا شست‌وشو می‌دهد (همان: ۵۹)

۱-۳ مؤلفه‌های مهم تأثیر زیست‌بوم‌های مختلف زمانی در شعر باقری

- بازتاب نقش‌آفرینی‌های طبیعت و زیست‌بوم در اشعار باقری.

- دل‌بستگی به زیست‌بوم و طبیعت خشک و خشن سیستان.

- همسوئی، هم‌نوایی و همدردی با مردم صبور و رنج‌کشیده اقلیم خویش.

- انعکاس آسیب‌ها، بحران‌های طبیعی و انسان ساخته و نگاه دگرگون مردم سیستان در

اشعار شاعر.

- اقلیمی بودن تصاویر و زبان شعر باقری.

۲ طبیعت و محیط زیست در اشعار بوم‌گرای عباس باقری

انسان خواه شهرنشین و خواه روستایی، با عناصر زیست محیطی و مظاهر طبیعت در ارتباط است. طبیعت به سبب قدرت غالب خود همچون موجود زنده‌ای ظاهر می‌شود که گاه با چهره‌ای مهربان، محل التجاء و ارتزاق انسان است و گاه برای مقابله و رقابت با او به خشم و قهر متوسل می‌شود. طبیعت و محیط زیست به شیوه‌های گوناگونی در آفرینش اشعار بوم‌محور باقری اثرگذار بوده است؛ شاعر نیز در اشعار خویش به خصوصیات اقلیمی منطقه مانند طوفان و گردوغبار، گرمای طاقت‌فرسا، زمستان‌های خشک و استخوان‌سوز، مکان‌های خاص مانند کوه پلنگان، سابوری و...، نام محصولات کشاورزی مانند گندم، جو، اسامی پرندگان و حیوانات مانند کبوتر، گنجشک، کرکس، سگ، الاغ، مار و... اصطلاحات خاص بومی و محلی مانند آس (آسیاب بادی) باشه (عقاب)، بدبده (بلدرچین) و... اشاره می‌کند. توجه به بحران‌های زیست بومی و ارتباط صحیح انسان با طبیعت، به اشعار او ارزش بالاتری داده است.

۲-۱ ویژگی‌های اشعار زیست‌بومی و طبیعت‌محور عباس باقری

۲-۱-۱ آنیمیسم‌گرایی و احترام به طبیعت

شاعر به طبیعت نگاهی دقیق دارد. از دیدگاه او تمام اجزای طبیعت دارای روح و حرکت است؛ به همین دلیل شخصیت بخشی به عناصر طبیعت از ویژگی‌های اصلی شعر وی به شمار می‌رود. در شعر ذیل اسناد اوصاف انسانی با بار احساسی و عاطفی به شهر، روستا و نهر و سرانجام تصویر بسیار زیبایی درختان خشک به شن خفته حکایت از انس و الفت شاعر با طبیعتی دارد که گویی با زبان بی‌زبانی از احوال خود با شاعر درد آشنا سخن می‌گویند: در انتهای جاده یک شهر ناگزیز / افتاده روی منظره چشم آفتاب / یک لگه درشت / یک روستای پیر / یک نهر روزه‌دار / دارد نگاه می‌کند / دباغی درخت‌های فروخته را به شن (باقری، ۱۳۸۹ ب: ۱۰۵)

ماه، شرمگین و بی‌رمق / از فراز چله‌خانه گیاه / کوچ دسته‌جمعی قبیله را نگاه می‌کند

(باقری، ۱۳۸۹ الف: ۹۸)

۲-۱-۲ انعکاس بحران‌های زیست‌محیطی

طوفان و ریزگردها یکی از مهم‌ترین بحران‌های اقلیم سیستان است که بر اثر خشک‌سالی‌های متمادی این منطقه زندگی ساکنان آن را دچار چالش جدی کرده و عده زیادی از آنان را از خانه و کاشانه‌شان رانده است. شاعر در شعر ذیل با توجه به اعتقاد قدما که رقص عروس باعث از بین رفتن خشک‌سالی خواهد شد خطاب به عروس روستا چنین می‌سراید: لایلا / عروس روستا، برخیز! / بر بام شو / گیسو به باد شعله‌ور بسپار / آنگه صدا زن ابرهای استوایی را / کولی باران را بگو / سوز سه‌تارش را بگیرد بر سر دستش / آن قدر با توفان بخواند / تا گل از گل بشکفتد در سفره صحرا / در پای هر ریشه / چراغان کن سرود سبزه‌زاران را / بالای میدان‌گاه ده / سجاده سبز دعایت را چو گل بگشا / سرریزکن فتوای باران را (باقری، ۱۳۸۹ / الف: ۹۲ - ۹۳)

لحن غمگین شاعر و بیان آرزوهایش، همه حکایت از بحرانی دارد که طبیعت را آشفته کرده است.

۲-۱-۳ اقلیمی بودن تصاویر شعری باقری

اغلب اشعار او آینه تمام‌نمای زیست بوم شاعر است. باقری در چندین دفتر شعرش با به‌کارگیری واژگان برگرفته از طبیعت، هویت بومی خویش را به واگویه می‌نشیند: پیش‌تر ز آن که بنویسم / کولی کوجه‌های دل بودم / خار را لای زخم می‌دیدم / گرچه از روی گل خجل بودم / گاه می‌دیدم از قبور غریب / نوحه خوان نسیم برمی‌گشت / خارها: زائران بقعه درد / قفل‌ها بسته بر کتیبه دشت / کوجه‌ها: پلک پُر تراخم ده / خانه‌ها: چشم‌های بی‌چرخش / مژه خشک خار بر دیوار / خیره بر آسمان بی‌بارش / گام‌ها خسته، قریه لب‌بسته / زیر پای عطش نفس می‌زد / گاه سوغات بقچه گل را / دست خون‌ریز خار، پس می‌زد (همان: ۲۱۸ - ۲۱۷)

۲-۱-۴ تضمین مبتکرانه از شعر کلاسیک با مضمون مشترک

شاعر با استفاده از واژگان و لحن آشنا و بهجت‌انگیز شعر معروف فرخی سیستانی، فضایی کاملاً متباین می‌آفریند تا با غمی مأنوس، به سوگ طبیعت خشک سیستان بپردازد و هنرمندانه خواننده را وادار به مقایسه کند: با کاروان کبوتر / با حله تنیده به اندوه / با کاروان بال و پر اشک می‌روم / از این گریه / تا به سرایرده کویر / آنجا که شعله زقوم می‌چکد / از چشم‌های خسته حربای پیر / آنجا که باد / برکه عطشان واحه را / با شهوت

همیشگی‌اش لیس می‌زند/ آنجا که صبح/ خیمه نمی‌بندد ابر را/ وز پرنیان ریگ/ جامه به تن می‌کند بهار/ ای روزگار! / ما را به سرد مهری از این کاروان مران/ این حلّه نیست بافته از جنس حلّه‌ها / زخم است بافته از تار و پود جان/ این کاروان نمی‌رود این را مگیر/ خاکستری به جای ماند از آن تا به سیستان/ ای ساربان! / احوال آب چشم من و بال کبوتران چاهی از یادرفته را / از بادهای کولی این سرزمین پرس! (باقری، ۱۳۸۹ ب: ۹۵ - ۹۴)

۲-۱-۵ به تصویر کشیدن زندگی سخت و طاقت‌فرسای مردم سیستان

بحران‌های زیست‌محیط طبیعی و انسان ساخته که زندگی را برای ساکنان اقلیم سیستان غیرممکن ساخته، چنان شاعر را تحت تأثیر قرار داده است که در آرزوی برگشت به شرایط مطلوب زندگی مردم منطقه، به تصویر رؤیاهای خویش پرداخته است: تصویر عطش: لیلای من / ای دست‌های زخمی‌ات باغ و بهارنم/ وقتی عطش، سُم بر زمین تشنه لب کوید / وقتی که در اندوه آرام برادرها / زخم درشت تشنگی / بر گونه رنجور ده روید/ وقتی که بی لبخند برزیگر باران پیغامی نتابید از جبین دشت / هر زاغه را بنواز با جان (باقری، ۱۳۸۹ ب: ۹۱).

۳ مصادیق زیست‌بوم در شعر باقری

۳-۱ گز

اصلی‌ترین گیاه اقلیم سیستان است؛ درختی که در این منطقه خشک و بی‌آب، به راحتی رشد می‌کند و در مقابل طوفان‌های موسمی منطقه نیز مقاوم است:

وقتی ز کویر و صبر گز می‌گویی گویی که زبان مار را می‌بویی

اینجا که پرندۀ در عطش نوحه‌گر است آغوش کدام چشمه را می‌جویی

(باقری، ۱۳۸۹ الف: ۲۱۸)

۳-۲ هامون

هامون تنها دریاچه و تالاب سیستان است و در سنت مزدیسنا جایگاه ویژه‌ای دارد: من دختران ساحل هامون را/ بسیار دیده‌ام/ هر روز نیز / انگار/ آینه‌های نم‌زده زنگ بسته‌اند /.../ من دختران ساحل هامون را/ اسپندهای مجمر خورشید دیده‌ام (همان، ۱۳۸۹ الف: ۴۴)

۳-۳ هیرمند

هیرمند یکی از عناصر مهم اقلیمی و رگ حیات و تنها منبع تأمین آب سیستان است که قبض و بسط آن در منطقه در اشعار باقری جلوه خاصی دارد:

موسیقی کویری باد است و آفتاب / شعری به گرده هیهات هیرمند (همان، الف ۱۳۸۹: ۴۳)

۳-۴ کویر

عنصر اقلیمی کویر در شعر باقری جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چرا که او فرزند کویر است شاعر، کویری را که در دامانش پرورش یافته، سبز می‌بیند:

ای کویر! / ای سبز! / ای گزِ تشنه آغوش کویر (همان، الف ۱۳۸۹: ۶۷)

۳-۵ باد، طوفان و ریزگردها

طوفان همراه همیشگی سیستان است. این باد موسمی که بر اساس زمان و سرعت وزش، به بادهای صد و بیست روزه معروف است و زمانی تهویه هوای منطقه را بر عهده داشته؛ امروزه آفت و بلای زندگی سوز ساکنان این اقلیم گشته است. همین باد وقتی شدید می‌شود، به صورت طوفانی کشنده، حرمت قریه را زیر و رو می‌کند:

گاه می‌دیدم آسمان چون سنگ بر سر روستا فرومی‌شد

در غبار تپنده طوفان حرمت قریه زیر و رو می‌شد

(همان، الف ۱۳۸۹: ۲۱۹)

باد موسمی و شدید سیستان احوال آب چشم شاعر را می‌داند: ای ساریان، احوال آب چشم من و / بال کبوتران چاهی از یاد رفته را / از بادهای کولی این سرزمین پیرس (باقری، ۱۳۸۹ ب: ۹۵)

۳-۶ باران

باران عنصر کمیاب آن اقلیم است. شاعر، باران را مخاطب قرار می‌دهد و از او می‌خواهد، با باریدنش کویر را همچون حریر، سبز، لطیف و با طراوت کند:

باران! گره از بقچه‌ات بردار / تا چون عروسان بیابانی / پیراهن سبز حریرت را / بر

قامت صحرا پوشانی (همان: ۲۵۴)

۳-۷ ابر

ابر از عناصر مهم اقلیمی در شعر باقری است که آمدنش را به هم‌وطنانش بشارت می‌دهد:

هم‌وطن / هان ... همدرد! / گل زیبایت اگر پَرِیر شد / باغ رعنائت اگر بی‌بر شد / ابر
بارآور فردا / باز خواهد بارید (باقری، الف، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

۳-۸ ریگ و شن

ماسه‌های بادی و شن‌های روان از مظاهر زیست بومی این خطه هستند که با وزش بادهای موسمی و طوفان‌ها، برای مردم منطقه مشکل‌ساز و خطرآفرین می‌شوند. باقری، این عنصر طبیعی را به نقلی مانند می‌کند که در عروسیِ خار، بر سرش می‌ریزند:
در دیده‌ کویر / شب‌نم / خون ترنج زلیخایی / نُقل شن / بر سر عروس بی‌جهاز خار...
(همان: ۱۲۶)

۴ تأثیرات منفی طبیعت یا آسیب‌های زیست‌محیطی

طبیعت گاهی در بطن خود به هیچ‌یک از عوامل خارجی اجازه دخالت نمی‌دهد و موجب بحران در زندگی گیاهی، جانوری و انسانی می‌شود. مصادیق بحران‌های زیست بومی در اشعار باقری عبارت‌اند از:

۴-۱ بحران‌های محیط‌زیست طبیعی

۴-۱-۱ خشک‌سالی

باقری بحران‌های زیست محیطی برگرفته از جغرافیای منطقه را با جوهره هنر تلفیق و برای خویش و دیگران به تصویر می‌کشد:

دست و روی سپیده را می‌شست	نه بهاری به جویبار پگاه
باغ را در بلوغ گُل می‌جست	نه گلوی زلال بدبده‌ای
زارع از نبض خوشه می‌فهمید	تب زنگار تلخ گندم را
بر لب خشک بوته‌ها می‌دید	آه مایوس باد را هر دم

(همان، ۱۳۸۹ الف: ۲۱۹ - ۲۱۸)

در هنگام خشک‌سالی، آن زمان که دیگر جای ماندن نبود و مردم به‌ناچار تن به مهاجرت می‌دادند؛ جارچی، نفیر کوچ می‌زند؛ چرا که روستا دیگر در تصرف قشون تشنگی است:

جارچی پیر روستا / پا و سر برهنه در غبار کوچه / جار می‌زند / های مردم اجاره‌ای /
 زنده‌های مستجب / خانه و اهلید و تن به ناگهان کوچ / آشنا کنید / فصل چیدن کبوتر از
 درخت‌ها / فرا رسیده است / دامن ضریح باغ‌های بی‌پرنده را / رها کنید / های مردم آی /
 کام بوته‌ها / دیگر از زلال آب، تر نمی‌شود، روزگار ما / از این سیاه‌تر نمی‌شود / روستا /
 در تصرف قشون تشنگی است (باقری، ب ۱۳۸۹: ۹۶)

جارچی اما پاسخی نمی‌شنود؛ چرا که دیگر توانی نمانده و مردم بر دوش ریگ
 سرنهادند: جارچی / میان خوشه‌های خشک / گرم پیرهن دریدن است / بر نمی‌شود
 صدایی از درون کومه‌ها / سایه‌ها / سرنهاده روی دوش ریگ / کارشان / شعله‌ور شدن
 به دیولاخ / طعم هُرم خاک را چشیدن است (همان: ۹۷)
 در این خشک‌سالی‌ها، روستا در آتش می‌سوزد و سال‌ها در حسرت قطره‌ای آب
 است:

حسرت یک پیاله شبنم را از نگاه بنفشه می‌شد دید
 گور آلاله‌های وحشی را می‌شد از سینه‌سرخ‌ها پرسید
 (باقری، الف ۱۳۸۹: ۲۱۸)

نابودی کشاورزی و قحطی ناشی از خشک‌سالی و تبعات آن در سیستان مردم را
 مجبور به مصرف علف‌های بیابان کرده و این، خود بیشتر به مرگ آن‌ها می‌انجامید:
 آن سال‌های مرگ‌خیز / تنها خورشید مردم / سبزینه‌های زرد بیابان بود / شاید که
 مرگ / در آستانه در پشت خم کند / و فردا / از پشت سایه‌سار بتابد / اما دریغ / انبوه
 ریشه‌های تلخ / هنگام بلع / از فرصت بهارِ مرگ خبر داد... (باقری، الف ۱۳۸۹: ۵۶ - ۵۵)

۴-۱-۲ یخبندان سال ۱۳۶۲

هامون صابری (یاسابوری) شهرستان زابل که یکی از مناطق مسکونی حاشیه دریاچه
 هامون است، در سال ۱۳۶۲ از شدت سرما و برودت هوا، یخ زد. در این یخبندان که به
 تابوت یخ معروف است، ده‌ها زن، مرد، کودک، پیر و جوان به همراه احشام و دام‌هایشان

نابود شدند و صیادان داغدار در ماتم عزیزانشان به سوگ نشستند. این یخبندان بی سابقه که از تغییر آب و هوا و زیست بوم طبیعی نشأت گرفته بود؛ شاعر را به اندوه سرایی و همدردی با بازماندگان این فاجعه، وادار نمود:

عصیان دریا را ندیدی ای برادر با ما چه کرد آن پیر، هامون دلاور؟
روزی که خشم خویشتن را سایه گسترد تابوت یخ را در زمستان هدیه آورد
(باقری، ۱۳۶۹: ۳۹)

در یخبندان سابوری که مردم در محاصره پدیده زیست محیطی طغیان آب دریاچه و یخبندان، قرار می گیرند مجبور و منفعل، درحالی که کاری از دست کسی بر نمی آید و عده ای مرد، زن و کودک زنده یخ می زنند و باقیمانده آنان به انتظار تغییر شرایط باقی می ماند؛ باقری در سوگ سروده خویش به تصویرگری صحنه های دل خراش این واقعه می پردازد.

نکته قابل تأمل در این بین آن است که عنصر محیط زیستی دریاچه بر زندگی و حیات ساکنان منطقه تأثیرگذار است؛ دریاچه از یک طرف با ویژگی های مثبت خود، آنان را به سوی خویش جذب می کند و از سوی دیگر با طغیان یا بی آبی، ساکنان را از آن دیار جدا می سازد. دریاچه هامون و رودخانه هیرمند نیز با بهره گیری از ویژگی های مکانی منحصر به فرد در منطقه، مانند ایجاد بستر اشتغال به دامداری، کشاورزی و ماهیگیری، بومیان منطقه را به ماندن در طبیعت خشک، سوزان و طوفانی سیستان دعوت می کنند و گاهی نیز با بی آبی، آنان را آواره می سازند.

۳-۱-۴ طوفان و ریزگردها

طوفان و ریزگردها یکی دیگر از عناصر محیط زیستی و بحران های طبیعی است که باقری در اشعار خود به آن پرداخته است:

چه سحرها که باد اغواگر شعله بر جان دشت می افروخت
ریشه رُسته در تنوره ریگ از تب تند تشنگی می سوخت

(همان: ۲۲۰)

و باز باد/ نامهربان تر از همیشه به گندم زار/ پندار قریه را/ در زوزه سگان پیر، برآشفته

است (باقری، ۱۳۸۹ ب: ۱۷۶-۱۷۷)

باد موسمی منطقه که معروف به باد لواری (بادهای موسمی گرم یک‌صد و بیست روزه و ریزگردها) است، چون می‌وزد، همچون شعله‌های آتش، پوست انسان را خشکانده، می‌سوزاند. این باد بر اثر خشک‌سالی و فرسایش خاک، جهنمی از گرد و غبار زرد بر سر ساکنان منطقه فرود می‌آورد که نه تنها تنفس مردم را دشوار می‌سازد بلکه مجموعه اکوسیستم این اقلیم را به مخاطره می‌اندازد.

۴-۱-۴ بیابان‌زایی

ظهور بیابان‌زایی یکی دیگر از بحران‌های طبیعی در منطقه سیستان است که بر اثر خشک‌سالی‌های پی‌درپی سالیان اخیر، بر این اقلیم عارض شده است. تصویر تسلیم انسان مقتدر در برابر قهر طبیعت و توسل وی به دعا برای دوباره به دست آوردن موهبت‌هایی که همین طبیعت به او می‌داده؛ قابل تأمل است:

مانداب‌های گل‌آلود قریه را / با اعتراف بالغ خشکی، حکایتی است / سالی که رمه‌ها /
در دشت‌های کسل‌دین می‌شدند / دست‌های تمنا / زخم گیاه سوخته را / با حرز ابر
شفا می‌خواست (باقری، الف ۵۲: ۱۳۸۹)

۴-۱-۵ سیل

یکی دیگر از بحران‌های زیست محیطی در سیستان، سیل است. سیل اخیر در سال ۱۳۶۹ چنان بی‌پروا و خروشان آمد که علاوه بر نابودی زیستگاه‌های گیاهی، جانوری و انسانی، اغلب مشاغل بومی منطقه را (که کشاورزی و دامداری بود)، نابود کرد. باقری که پیوسته همراه درد و رنج مردم اقلیم خویش است، سوگ سروده دیگری را التیام‌بخش غم آنان نموده است:

دیدارت از شهر سیه پوشان مبارک از چشمه‌های اشک خاموشان مبارک
از خانه‌های بی تپش، از شیون آباد ز آنجا که خلعت می‌ستاند مرگ از باد...
(باقری، ۱۳۶۹: ۴۴-۴۳-۴۲)

باقری با استفاده از آرایه بلاغی تشخیص، تشبیه و اغراق، تأثر مخاطب را از این سیلاب تباهی و ویران‌کننده همراه با طوفان که شرایط جوی را بسیار بدتر کرده؛ چند برابر کرده است. گویی شاعر قصد داشته مرغ‌عزا را از کوجه‌های قریه به دل اجتماع بیاورد تا

هم‌نوایی دیگر همنوعان با دهقانان فرزند و خانه و کاشانه از دست داده؛ مرهمی بر زخم دلشان گردد.

۵ آرمان‌شهر

ترسیم آرمان‌شهر که در آن مردم در سلامتی و رستگاری زندگی می‌کنند؛ معادل بهشت زمینی است. آرمان‌شهر- یا ناکجاآباد یا مدینه فاضله - معادل واژه *Utopia* یونانی است که (اتوپیا) از دو جزء *uo* به معنای نه هیچ *ph*، نه و *Topos* به معنای جا و مکان. به معنای لامکان، هیچستان و ناکجاآباد است. اندیشه یاری و جایی که همه چیز آن نیکو باشد، قدمتی به اندازه عمر بشر دارد و از زمانی که انسان از بهشت برین رانده شد؛ آرزوی بازگشت به چنین مکانی را داشت. نکته اساسی در مورد آرمان‌شهر این است که شاعران به دلیل اوضاع نامطلوب روزگار و قرار گرفتن در شرایط سخت و دشوار زندگی و برای رهایی از چنین وضعی به توصیف جامعه‌ای می‌پردازند که در آن به آرامش روحی-روانی دست یابند؛ اما این، فقط یک اندیشه است. باقری یکی از شاعران بوم‌گرایی است که در اشعار زیست‌بومی خود آرمان‌شهر مطلوب خویش را که با آرمان‌شهر دیگر شاعران معاصر تفاوت‌های بنیادی دارد؛ آفریده است.

آرمان‌شهر باقری با وضع کنونی اقلیم شاعر کاملاً متفاوت است. شاعر آرمان‌شهر خویش را در احیای دوباره زندگی ساکنان منطقه و رونق مجدد کشاورزی، دامداری و مشاغل بومی آن اقلیم می‌داند: آسمان/ عاقبت، روزی/ از خوابِ گران بر خواهد خاست / و زمین/ پر از آغاز شقایق، خواهد شد/ بروم / بیعتِ دیرینم را / با نغمه‌گران، تازه کنم/ دفترِ سبزِ اشاراتِ شقایق را / با تپیدن‌های نبض کبوتر/ شیرازه کنم/ بروم/ چشم‌ها را، به تماشای شکفتن بیرم/ و آسمان را / به تماشای طلوعِ گلِ سرخ (باقری، ۱۳۸۹ ب: ۱۱۱ - ۱۱۰)

۶ نمادهای برگرفته از طبیعت

نمادگرایی یا سمبولیسم در شعر، یکی از شیوه‌های ارتباط و انتقال مفاهیم است که واژه‌ها علاوه بر معنی حقیقی، تداعی‌کننده معانی و تصاویر متعدد و حتی متناقضی هستند که موجب برانگیخته شدن واکنش‌های عاطفی و احساسی گوناگون در مخاطب می‌شود. باقری، از نماد در ویژگی‌های بوم‌گرایی در اشعار خود، بهره کامل برده است. استفاده از این

شگرد هنری باعث شده است که شعرش از اصالتی بومی‌گرا برخوردار گردد. نگاه شاعرانه به تجارب شخصی، فردیت شاعرانه، فرهنگ، محیط و ویژگی‌های خاص اقلیم سیستان و توجه به بحران‌های زیست محیطی با به‌کارگیری نمادهای زیبا، از برجستگی‌های اشعار باقری به شمار می‌رود.

۱-۶ کبوتر

در اشعار باقری، نمادی از انسان است که با تمام ضعف و قوت، خوبی و بدی، زیرکی و گولی، صداقت و فریب‌کاری و... باز نمایانده می‌شود. کبوتر شعر باقری، انسانی است جایز الخطا، گاه دچار اشتباه می‌شود و فریب می‌خورد؛ همانند دیگران ستم می‌ورزد؛ گاه از سر اعتمادی که مردم به او دارند، سوءاستفاده می‌کند و به قول شاعر دکانی دو در می‌سازد: کبوتر / از نام آسمانی‌اش / دکان دو در ساخته بود و پرنده‌های افلیج را / به اشتباه انداخته (باقری، ۱۳۸۸: ۱۰۱) در سرزمین پرندگان عباس باقری، کبوتران بیشتر جولان می‌دهند. همه‌گونه کبوتری در کبوترخانه شاعر وجود دارد: شاه کبوتران، کبوتر صحرائی، کبوتر نامه‌بر و... که هر یک، طیفی از افراد جامعه هستند.

کبوتر صحرائی نماد مردمان عادی و آزاده ولی در رنج و سختی است. کبوتر صحرائی نماد مردم سیستان، مردمی که رنج و مشقت را تحمل می‌کنند ولی همچنان عشق به وطن در وجودشان زبانه می‌کشد. عاشق ایران‌اند و قرن‌ها است بار وظیفه‌داری در آن خطه را به دوش می‌کشند؛ چنانکه به امیران مرزدار شهره گشته‌اند:

کبوتر صحرائی / در کاسه‌های ریگ / تنهایی و ملال برمی‌چیند / و در چینه‌دان
گداخته‌اش می‌ریزد / و دم بر نمی‌آورد / فقط به خاطر میهنش (باقری، ۱۳۸۸: ۸۲)

و بالاخره کبوتر نامه‌بر نماد سیاستمدارانی است که از بطن مردم برخاسته و با اتکا به مردم، به دنبال صلح طلبی باشند و با نیروی اراده مردم حکم برانند: نه سیمرخ فرمند / نه عقاب جگردار / کبوتری نامه‌بر بود / که آوازهای صلح را / در بال‌های نحیفش / از قاره‌ای به قاره دیگر / سوغات می‌برد (همان، ۱۳۸۸: ۱۲۰)

کرکس: نماد پلیدی و پلشتی (شیطان): باقری با اندیشه ایرانشهری، کرکس را نماد مارهایی (شیطان) می‌داند که بر شانه‌های ضحاک بوسه زده:

کرکس بر شانه‌های کبوتر (کبوتری که به ستم گراییده) / یک روز بوسه داد /... از آن روز / خون و خورشید چلچله بود و / ماران رسته روی کتف کبوتر... (همان: ۲۴۲)

۶-۲ گنجشک

نماد سیاستمداران پیر سر و صدای نادان است که سعی می‌کنند با هیاهوی خود این ضعف را بیوشانند: شاه کبوتران / گنجشک را به صدارت خواند / زان روز بر بام‌ها / آواز و هیاهوی فراوان شد / اما شهر پرندگان از رتق و فتق کارهای ناشده وامانده (همان، ۱۳۸۸: ۱۸۴)

۷ رویکردهای اصلی طبیعت‌محوری

۷-۱ رویکرد زیست محیطی

رویکردهای اصلی باقری به زیست‌بوم و طبیعت، شاخصه مهم اشعار او است. شاعر به سبب انس و الفت نزدیکی که با زیست بوم خویش دارد، پدیده‌های طبیعی را مبنا و بستری برای بیان دغدغه‌های زیست محیطی و خلق اشعار سمبلیک خود نموده تا بدین وسیله در شعر ظرفیتی ایجاد نماید که هر یک از عناصر طبیعت و زیست بوم بتواند جنبه‌ای از اندیشه، عواطف و باورهای اجتماعی و زیست بومی او را ترسیم کند.

۷-۲ رویکرد اقلیمی و بومی

باقری، از نماد در ویژگی‌های بوم‌گرایی و رنگ محلی در اشعارش، بهره کامل برده است. استفاده از این شگرد هنری باعث شده که شعرش از اصالتی بومی‌گرا برخوردار گردد. نگاه شاعرانه به تجارب شخصی، فردیت شاعرانه، فرهنگ، محیط و ویژگی‌های خاص اقلیم سیستان و توجه به بحران‌های زیست محیطی با به‌کارگیری نمادهای زیبا، از برجستگی‌های اشعار باقری در مجموعه‌های من پیام‌آور شبنم، شرح شوکران و ایوب در باد، به شمار می‌رود.

۷-۳ رویکرد اجتماعی-سیاسی

پرندگان بیشترین سهم را در این رویکرد به خود اختصاص داده‌اند. در سرزمین پرندگان عباس باقری، کبوتران بیشتر جولان می‌دهند و هر یک، طیفی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند.

۸ پیام‌ها

پیام‌های شاعرانه باقری در حقیقت، رویکردها و آرمان‌شهر شاعر را تشکیل می‌دهد. شاعران کلاسیک و برخی از شاعران معاصر از سر شوق و لذت به توصیف زیست بوم و مظاهر طبیعت پرداخته‌اند؛ اما توجه باقری به محیط‌زیست و طبیعت در سروده‌هایش، اغلب از سر درد و دغدغه‌های بومی و اقلیمی و بعضاً اجتماعی شاعر است؛ همان دغدغه‌هایی که شعر او را در مسیر همسویی و همنوایی با مردمش قرار داده و نگاه دگرگون آنان را در اشعارش منعکس نموده است. خلاصه‌ای از مهم‌ترین پیام‌های شاعرانه نهفته در اشعار بوم محور باقری عبارت‌اند از:

الف) به تصویر کشیدن زندگی آرمانی مردم سیستان که عبارت‌اند از: احیای دریاچه و تالاب‌های هامون و رودخانه هیرمند، توجه به روستاها و رونق کشاورزی و دامداری و سایر مشاغل بومی اقلیم شاعر، مهار طوفان‌ها و ریزگردهایی که زندگی را برای ساکنان آن دیار طاقت‌فرسا نموده است، از بین بردن فقر در منطقه و برگرداندن مهاجران بومی به سرزمین آبا و اجدادی‌شان، همان‌هایی که روزی به علت خشک‌سالی خانه و کاشانه خود را رها کرده و در اقصا نقاط کشور برای یافتن نان سفره‌شان پراکنده شده‌اند.

ب) اقلیمی اندیشیدن و دل‌بستگی به زیست بوم خشک، خشن، سوزان و طوفانی سیستان و همدردی، همسویی و همنوایی با مردم سرزمینش.

نتیجه‌گیری

شعر عباس باقری به علت زیست‌بوم یکسان شاعر در ادوار مختلف زندگی، حاوی تصاویر و مؤلفه‌های زیست بومی مشابه و یکسان است. پس در تمام مجموعه شعرها، دل‌بستگی وی به طبیعت خشک و خشن سیستان، همدردی با مردم صبور و رنج کشیده آن اقلیم و بازتاب بحران‌ها و آسیب‌های طبیعی و ساختگی از قبیل خشک‌سالی و بحران بی‌آبی، طوفان‌ها و ریزگردها، بیابان‌زایی و سیل قابل مشاهده است. برخورد باقری با طبیعت و مظاهر آن بسیار زنده و صمیمی است از این رو؛ تصاویری با اسناد مجازی و آنیمیسیم‌گرایی، بیشترین بسامد را دارد. بیان مفاهیم و مضامین طبیعت‌دردمند و در بحران سیستان معاصر با زبان و فضای شعر کلاسیک به‌ویژه شعر فرخی سیستانی منجر به خلق تباين و تقابلی هنرمندانه در شعر می‌شود که مخاطب را به تعمق وامی‌دارد.

شاعر با استفاده از نماد، بخصوص نماد پرندگان مختلف به شعر طبیعت‌گرای خود با دیدگاه طنز انتقادی، سمت و سوی اجتماعی و سیاسی داده است. هرچند شعر باقری بیشتر آئینه طبیعت رنجور و در بحران سیستان است؛ اما امید شاعر برای احیای دوباره طبیعت و زندگی ساکنان منطقه و رونق مجدد کشاورزی، دامداری و مشاغل بومی آن سرزمین، طرح آرمان‌شهری است که خواننده را به امید و سازندگی دعوت می‌کند. مقاله حاضر با پرداختن به موضوع نقش‌آفرینی طبیعت و زیست بوم در اشعار باقری، بر اهمیت موضوع محیط‌زیست و هشدار برای حفاظت از آن تأکید دارد و بر آن است تا با گسترش پژوهش‌های دقیق‌تر، زمینه‌ساز غنای این حوزه مطالعاتی جدید گردد.

منابع

- آبرامز، مایرهورد. (۱۳۸۷) فرهنگ اصطلاحات ادبی. ترجمه سعید سبزیان. تهران: نشر رهنما.
- باقری، عباس. (۱۳۸۹ الف) از سال‌های نغمه کافور: شرح شوکران. تهران: انجمن قلم ایران.
- _____ (ب) از سال‌های نغمه و کافور: من پیام‌آور شبنم. تهران: انجمن قلم ایران.
- _____ (۱۳۹۴) ایوب در باد. تهران: فصل پنجم.
- _____ (۱۳۸۸) روزی کبوتری، تهران: فصل پنجم.
- بهداروند، ارمغان. (۱۳۸۸) این روزها می‌گذرد. (زیباشناسی و سیر تحول شعر قیصر امین پور) تهران: نقش جهان.
- پارساپور، زهرا (۱۳۹۲) نقد بوم‌گرا، ادبیات و محیط‌زیست. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____ (۱۳۹۱) نقد بوم‌گرا، درآمدی بر بوم‌نقد. فصلنامه نقد ادبی، ش ۱۹، صص ۸-۲۶.
- _____ (۱۳۹۵) ملاحظات اخلاق زیست محیطی هدایت و چوبک. نقد دو داستان. فصلنامه نقد ادبی. دانشگاه تربیت مدرس. س ۹. ش ۳۶. صص ۷۳-۹۵.
- _____ (۱۳۸۵) ادبیات سبز، مجموعه مقالات درباره‌ی نقد بوم‌گرایانه ادبیات فارسی. ج اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۱) مبانی محیط‌زیست. ج دوم. کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- وهاب‌زاده، عبدالحسین. (۱۳۸۲) اخلاق محیط‌زیست. تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- ذوالفقارخانی، کمال. (۱۳۹۵) بررسی زیست‌بوم در شعر فروغ فرخزاد بر اساس بوم‌فمینیسم. فصلنامه مطالعات نظریه و انواع ادبی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه حکیم سبزواری. س اول. ش ۲، صص ۱۴۲-۱۱۵.
- عابدی سروسستانی، احمد، شاه ولی، محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۶) ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی. اخلاق در علوم و فناوری. ش ۱ و ۲. صص ۷۲-۵۹.
- مؤسسه فرهنگی-هنری انتظار. (۱۳۸۹) نامواره استاد باقری. زاهدان: تفتان.
- -Glotfelt –Cheryll&Harold Froman (Eds.) (1995) *Ecocriticism Reade*
- -Landmarks in Literary Ecology-Athens and London: The University of Georgia press.
- -kerridge –Richard-Sammells-Neil (1998) *Writing the environment: ecocriticism and Literature. first published London zed Book.*
- -Rueckert-William (1995) *Literary and Ecology An Experiment in Ecocriticism*pp: 105-123. In: *The ecocriticism Reader-Landmarks in Literary ecology. Edited by cheryll Glotfelty and Feromm-Athens and London: The University of Georgia press.*